



نگاهی به نهاد خانواده در جمهوری آذربایجان؛ خانواده متزلزل و جامعه رو به فروپاشی!

چند نکته مقدماتی که دانستن آن برای تحلیل وضعیت خانواده در جمهوری آذربایجان ضروری است:

آران نیوز: اول آنکه بدانیم دو نوع ازدواج در آذربایجان داریم. 1- ازدواج سنتی یا مذهبی، 2- ازدواج رسمی یا ثبتی

باید این دو گانه را همواره در نظر داشت و سپس وارد تحلیل شد. برای مثال اگر این نکته را ندانیم در تحلیل آمارهای رسمی نوزادان متولد شده از خانواده های با ازدواج رسمی و غیررسمی، با تصور یکی بودن ازدواج رسمی و شرعی همچون وضعیت ازدواج در ایران، فکر می کنیم نوزادان متولد شده از خانواده های غیررسمی که طبق آمار منتشره 15 درصد نوزادان را شامل می شوند و یک آمار بالایی هم هست، حرام زاده هستند؛ حال آنکه وضعیت این گونه نیست؛ بلکه بسیاری از این خانواده های غیررسمی، ازدواج مشروع مذهبی انجام دادند و فقط در اداره ثبت ازدواج، ثبت رسمی نکردند. اکنون بسیاری از روحانیون نسل جدید بر ثبت رسمی ازدواج در کنار خطبه عقد تاکید می کنند تا خانم ها بتواند حقوق خود را به صورت قانونی استیفا کند. در واقع مردم به شیوه سنتی خودشان مراسم ازدواج را به جای می آورند و با قوانین جدید دولت همراه نیستند. البته رفته رفته این مسئله در حال اصلاح هست و دولت از طرق مختلف تشویقی و تنبیهی در حال فرهنگ سازی ثبت رسمی می باشد و همچنین روحانیون دوره جدید هم در سخنرانی های خود مردم را به ثبت رسمی ازدواج دعوت می کنند. هم اکنون فقط یک بیمارستان در باکو به خانواده های غیررسمی خدمات مخصوص زایمان ارائه می کند و برای بقیه بیمارستان های دولتی و خصوصی ممنوع شده است. این یک نوع فشار اجتماعی هست که حداقل خانواده های غیررسمی هنگام تولد فرزند خود، ازدواج شان را ثبت رسمی کنند. این نکته هم قابل ذکر هست که تا یک ماه بعد از تولد فرزند هم امکان ثبت رسمی ازدواج و ثبت آن، نوزاد تازه به دنیا آمده به نام پدر و مادر خود وجود دارد.

نکته دوم آنکه تعداد اعضای خانوارها در آذربایجان به طور معمول زیاد می باشد و مثلا شما زیاد می بینید چند عروس و داماد از یک خانواده کنار هم به همراه پدر و مادر داماد در یک خانه زندگی می کنند. تعداد بالایی از خانوارها، 6 و یا بیش از 6 نفره هستند و خب این آمار برای ما در ایران، آمار بسیار عجیبی هست. به دلیل کناره زدگی کردن مادرشوهر و عروسان، دخالت اطرافیان در زندگی بسیار بالا می باشد که بسیاری از این دخالت ها منجر به طلاق هم می شود. اندازه خانوارها با افزایش سطح رفاه، کاهش می یابد اما همچنان کاهش تعداد نفرات خانوار باعث خوشبختی یا دوام خانواده نمی شود. از آنجاکه چشم و هم چشمی در جامعه جمهوری آذربایجان، خصوصا در قشر پردرآمد بالاست، یکی از عوامل اصلی درخواست طلاق از طرف خانم ها، همین چشم و هم چشمی ها می باشد.

طبق آمار مرکز دولتی آمار جمهوری آذربایجان، از هر 10 ازدواج، 3.7 آن ها منجر به طلاق می شود. در شهر باکو و مناطق اطراف این آمار به یک طلاق به ازای هر 2 ازدواج، می رسد. آمار در خود شهر باکو از این هم فجیع تر هست و تقریبا از 2 ازدواج، 1.2 آن ها منجر به طلاق می شود. آمار در شهر گنجه، دومین شهر پر جمعیت آذربایجان، از هر 3 ازدواج، 2 طلاق می باشد که آمار واقعا وحشتناک است.

نکته سوم آنکه در رسوم ازدواج خانواده ها در آذربایجان، مهریه بسیار پایین گرفته می شود و در مراسم عقد یا عروسی پرداخت می شود. مثلا یک سکه، همان روز عروسی خانواده داماد به خانواده عروس می دهند. البته از طرفی هم چون شرط مهریه در ثبت ازدواج رسمی وجود ندارد، خانم ها نمی توانند از طرفه قانونی بگردد دریافت مهریه خود باشند.

نکته چهارم آنکه هرکس بعد از ازدواج می تواند نام خانوادگی خود را تغییر دهد؛ عموما خانم ها نام خانوادگی خود را پس از ازدواج به نام خانوادگی شوهر خود تغییر می دهند. بنابراین وقتی می بینیم نام خانوادگی خانم و آقای یک خانواده یکی هست، به معنای ازدواج خانوادگی نیست، بلکه بعد از ازدواج این تغییر اتفاق افتاده است. از این جا وارد تحلیل بشویم:

ادعای این گزارش بر آن هست که نهاد خانواده در جمهوری آذربایجان بسیار متزلزل است که در نتیجه این تزلزل، جامعه به سمت از هم گسستگی و فروپاشی حرکت می کند.

طبق آمار مرکز دولتی آمار جمهوری آذربایجان، از هر 10 ازدواج، 3.7 آن ها منجر به طلاق می شود. در شهر باکو و مناطق اطراف این آمار به یک طلاق به ازای هر 2 ازدواج، می رسد. آمار در خود شهر باکو از این هم فزاینده تر هست و تقریباً از 2 ازدواج، 1.2 آن ها منجر به طلاق می شود. آمار در شهر گنجه، دومین شهر پر جمعیت آذربایجان، از هر 3 ازدواج، 2 طلاق می باشد که آمار واقعا وحشتناک است.

بیشتر طلاق ها در بازه سنی آقایان 30 تا 34 و خانم ها 25 تا 29 سالگی اتفاق می افتد. از سوی دیگر بیشتر طلاق ها در بازه 5 تا 9 سالگی، زندگی مشترک اتفاق می افتد.

این آمار نشان می دهد بیشتر اختلافاتی که منجر به طلاق می شوند در سال های ابتدای زندگی زوجین نبوده و این اختلافات بعد از حداقل 5 سال زندگی مشترک و به دنیا آوردن حداقل یک فرزند (البته گاهی علت طلاق عدم توانایی زوجه در فرزندآوری می باشد) به وجود می آیند.

خانم ریحانه کریمووا، رئیس اداره ثبت احوال وزارت دادگستری آذربایجان، می گوید که بیشتر خانواده ها در آذربایجان به دلیل عدم همگنی شخصیتی زوجین، نداشتن فرزندان و دخالت در زندگی خانواده های تازه تشکیل شده از هم پاشیدند. [1] با توجه به زندگی مشترک خانواده ها در کنار پدر و مادرشان در سال های ابتدایی زندگی، به احتمال زیاد اختلافاتی که منجر به طلاق می شوند، به صورت تدریجی و با دخالت های اطرافیان شروع می شود که با مدیریت غیرصحیح و عدم مراجعه زوجین به مرکز مشاوره و یا عدم وجود چنین مرکزی در نزدیکی خود، با انباشت این اختلافات جزئی، زندگی بعد از 5 سال یا بیشتر دیگر غیر قابل تحمل برای زوجین می شود و طلاق صورت می گیرد. اما دیگر علل طلاق از نظر خانم ها مهاجرت مردان برای کار به کشورهای روسیه، ترکیه، اوکراین، هوس رانی مردان و ازدواج مجدد و پنهانی آن shy&ها و شکاکتی زنان درباره مردانشان می باشد که از سریال های ترکیه shy&ای تاثیر پذیرفته shy&اند. [2] از نظر رئیس کمیته دولتی مشکلات خانواده، زنان و کودکان، خانم هیکران حسینوا، دلیل اصلی فروپاشی خانواده ها در دوران جدید، وضعیت مالی خانواده ها نیست؛ بلکه ازدواج های زودرس و غیررسمی، تولد فرزندان، دارایی، نقص، با عدم وجود فرزندان، shy&باشد.

بیشتر طلاق ها در بازه سنی آقایان 30 تا 34 و خانم ها 25 تا 29 سالگی اتفاق می افتد. از سوی دیگر بیشتر طلاق ها در بازه 5 تا 9 سالگی، زندگی مشترک اتفاق می افتد.

به گفته آقای صفاراف، رئیس پیشین کمیته دولتی مشکلات خانواده، زنان و کودکان، تعداد روانشناسان خانواده در باکو امروز کم نیست؛ با این حال، اکثر آنها در موسسات خصوصی کار می کنند و حقوق نسبتاً بالایی دریافت می کنند. در نتیجه خانواده هایی هستند که نیاز به کمک روانشناختی دارند اما امکانات مالی لازم مراجعه به مشاور را ندارند. به همین دلیل دولت متعهد شده است که این مشکل را حل کند. در حال حاضر مرکز دولتی حل اختلاف یا مشاوره روانشناسانه مخصوص خانواده وجود ندارد؛ اما پیشنهاد تاسیس مرکز روانشناسان خانواده وابسته به دولت، چندین سال هست که مطرح شده است. تاکنون فقط 11 مرکز کمک به خانواده در شهرستان های نسبتاً محروم ذبا، کمیته دولت، مشکلات خانواده تاسیس شده است. [3]

طبق اصل 17 قانون اساسی جمهوری آذربایجان که به روابط خانواده، فرزندان و دولت اختصاص یافته، خانواده به عنوان یکی از هسته های اساسی جمهوریت، در حمایت ویژه دولت می باشد. با این حال تا سال 2006 و قبل از تاسیس کمیته دولتی مشکلات خانواده، زنان و کودکان، نهاد ویژه حمایتی از خانواده از طرف دولت در آذربایجان وجود نداشت. با افزایش آمار طلاق ها، پدید آمدن شکل های بدیل خانواده در جامعه همچون خانوار های تک نفره [4]، زندگی با حیوانات همچون سگ و گربه و همجنس گرایی (که به تازگی در جامعه گسترش یافته اما جامعه در برابر این تغییر مقاومت نشان می دهد shy&) این نوع خانواده shy&ها از نظر قانون به رسمیت شناخته نشده shy&) اند) و از سوی دیگر کاهش شیب افزایش جمعیت که از سال 2012 هم رو به کاهش گذاشت، کاهش فرزندآوری در خانواده ها به کمتر از متوسط 2 فرزند و افزایش سن ازدواج در آقایان به بالای 30 سال و در خانم ها به بالای 25 سال، زنگ خطر فروپاشی جامعه در آذربایجان به صدا در آمد.

دیگر علل طلاق از نظر خانم ها مهاجرت مردان برای کار به کشورهای روسیه، ترکیه، اوکراین، هوس رانی مردان و ازدواج مجدد و پنهانی آن shy&ها و شکاکتی زنان درباره مردانشان می باشد که از سریال ها، ترکیه shy&، تاثیر پذیرفته shy&اند.

بعد از فشار های جریان های خانواده گرا همچون اسلام گرایان، در نهایت، ریاست جمهوری آذربایجان، طبق حکمی، کمیته دولتی رسیدگی به مشکلات زنان را به کمیته دولتی مشکلات خانواده، زنان و کودکان تبدیل کرد. بدین ترتیب خانواده در اولویت اول سیاست های فرهنگی

دولت قرار گرفت. با این حال، با توجه به رویکرد غربی سیاست های دولت جمهوری آذربایجان و تفاوت آن ها با فطرت انسانی و سبک زندگی و فرهنگ آذربایجانی، شاهد تغییر جدی اوضاع خانواده در جامعه نیستیم. همچنان رشد جمعیت از سال 2012 منفی هست و تعداد فرزندآوری شیب منفی دارد و جوانان هم تمایل زیادی به تشکیل خانواده ندارند و هر روز سن ازدواج بالاتر می رود.

طبق مصاحبه های عمیقی که از 13 نفر از کارشناسان و مردم عادی درباره علل خودداری جوانان از ازدواج پرسیدیم، 6 دلیل عمده را برای ما ذکر کردند:

سخت شدن وضعیت معیشتی

بالا رفتن سطح آرزوها در جوانان

سبک زندگی اعیان

دیدن ازدواج های ناموفق در اطراف خود و در نتیجه ترسیدن از شکست در ازدواج [5]

ترس از خیانت همسر

حادثه و حنا و بسته شدن بخت دختران

علا، عدم تمایل به فرزندآوری

تمایل مادران به کار خارج از خانه

بالا رفتن چشم و هم چشمی و زندگی پرخرج

با افزایش آمار طلاق ها، پدید آمدن شکل های بدیل خانواده در جامعه همچون خانوار های تک نفره [4]، زندگی با حیوانات همچون سگ و گربه و همجنس گرایی (که به تازگی در جامعه گسترش یافته اما جامعه در برابر این تغییر مقاومت نشان می دهد) این نوع خانواده shy&ها از نظر قانون به رسمیت شناخته نشده shy& اند) و از سوی دیگر کاهش شیب افزایش جمعیت که از سال 2012 هم رو به کاهش گذاشت، کاهش فرزندآوری در خانواده ها به کمتر از متوسط 2 فرزند و افزایش سن ازدواج در آقایان به بالای 30 سال و در خانم ها به بالای 25 سال، زنگ خطر فروپاشی جامعه در آذربایجان به صدا در آمد.

در نهایت برای جمع بندی باید گفت بر اساس آمارهای منتشره، مصاحبه مسئولان، مصاحبه با کارشناسان و خود مردم، با تغییر ارزش ها در جامعه، نهاد خانواده بسیار متضرر شده که نتایج این مسئله به صورت مستقیم بر جامعه وارد می شود. دولت برای جبران این خسارت اقدام به تاسیس کمیته مشکلات خانواده کرده است اما به دلیل تفاوت رویکردهای این کمیته با سبک زندگی مردم جامعه، نتوانسته کاری از پیش برده باشد. سازمان های مردم نهاد و گروه های مذهبی بسیاری در حال پر کردن خلا ارزشی جامعه و ارائه مشاوره به خانواده ها هستند اما تا وقتی مدل منسجمی از مشاوره مذهبی و روانشناسانه به خانواده ها داده نشود، خطر فروپاشی جامعه بسیار بالاست.